

نقد ادبی علی ششمندی

«خط مرزی» نمونه‌ای ساختارمند از روایت دفاع مقدس
اگر بخواهم به‌صورت خلاصه، در چند واژه تعییر را در مورد مجموعه داستان «خط مرزی» نوشته سیدحسین موسوی‌نیا ارائه دهم، باید بگویم که نمونه‌ای کامل و قوی از ساختار جدید روایت پایداری در دفاع مقدس است!
در توضیح حرفم باید اشاره کنم به اینکه روایت‌های ادبیات‌ماز دفاع مقدس (به‌ویژه در داستان کوتاه و رمان) مسیری خاص را از همان دهه ۶۰ شروع کرده و تا امروز پیش آمده است. تقسیم‌بندی‌های مختلفی در مورد آثار این حوزه ارائه شده که به نظر نگارنده، علمی‌ترین آنها تقسیم آثار به سه دوره است. دوره اول، آثاری که در سال‌های جنگ تا پایان دهه ۶۰ خلق شدند - و طبیعتاً ویژگی‌های متناسب با حال و هوای خیزش و انگیزش دفاع مقدس داشتند - دوره دوم، آثار دهه ۷۰ و دورانی که آسیب‌های ثانوی جنگ دامن کشور را گرفت و در نهایت دوره سوم که تقریباً از اوایل دهه ۸۰ آغاز شده به دنبال ارائه خوانشی جدیداز جنگ‌بود؛ خوانشی چالشی که در آن مطالبی ضدجنگ مطرح می‌شود و حتی ابعاد سیاسی جنگ ایران و عراق، به سوزهای اصلی تبدیل می‌شود.
در حوزه روایت، به دلیل ارتباط تنگاتنگی که فرم و محتوا دارند، ساختار روایت‌ها نیز در این سه دوره متفاوت بودند. بحث این مطلب، توضیح مفصل این سه گانه نیست بلکه می‌خواهم از ورود به عصری جدید صحبت کنم که «خط مرزی» را یکی از نمونه‌های آن می‌دانم. پس از دوره سوم، روایت‌های خلق می‌شود که نویسندگان آن تجربه مستقیمی از جنگ ندارند و از نظر احساسی، تحت تأثیر آن نیستند. آنها خوانشی از جنگ را که نسل در گیر با آن ارائه کرده، در تراژوی تحلیل قرار می‌دهند و روایت خلق می‌کنند. این نسل به ساختارهای روایی جدید مسلط‌تر است و آثاری عمیق‌تر در این حوزه خلق می‌کند.
داستان‌های مجموعه مورد بحث را می‌توان از زوایای مختلف، به‌عنوان یک نمونه از این جریان مورد بررسی قرار داد:
زمان مطالعه کتاب، اول از همه ظاهر جذاب آن مخاطب را دعوت می‌کند. جلد مبکرانه و ساده، صفحه‌ها برش خورده که به جلد حال و هوای متفاوت داده‌اند، تنظیم و صفحه‌بندی و در نهایت فونت جذاب و رنگ خاص متن، تجربه دیداری جذابی از مطالعه کتاب را به خواننده ارائه می‌دهد.
دومین ویژگی مهم کتاب که از همان صفحات ابتدایی با مخاطب همراه می‌شود و تا پایان او را همراهی می‌کند، جنس و نوع خاص شخصیت‌های آن است. این شخصیت‌ها انقدر زنده و به اصطلاح گوشت، پوست و استخوان دارند هستند که برای مخاطب، تجربه زیستی فراهم می‌کنند. باوجود آنکه داستان‌ها کوتاه هستند و خواننده از داستان دفاع مقدس، توقع تقسیم‌بندی شخصیت‌ها (به خودی و غیر خودی) و حضور تپه‌های اشرا را دارد، اما با اشتعاشی مواجه می‌شود که آنها را در خلال داستان‌ها، به‌اندازه کسانی که دیدارهای روزمره ملاقات می‌کند، می‌شناسد. در این داستان‌ها حتی نیروهای عراقی هم «دشمن بعثی» و «کافر» نیستند، بلکه حیات می‌یابند و قابل لمس می‌شوند. این یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که در روایت‌های عصر جدید شکل می‌گیرد.
فرم و ساختار در داستان‌ها هم هستند و هر داستان کوتاه از مجموعه، شکلی متفاوت از روایت را ارائه می‌دهد. روایان متفاوت می‌شوند و زاویه دیدها، حال‌وهوا و فضای داستان فرق می‌کند. هر چند در تمام صفحات، احوال خاکستری، غم‌انگیز و غبارآلود جنگ حفظ می‌شود؛ اما هر داستان بنا به سوزِ خود، جو متفاوتی از آن دنیای یکسان ارائه می‌دهد. از «گل بخ» تا «دیدگاه» و از «کنسروهای خونی» تا «فیات» می‌توان تفاوت این فضا را درک کرد. داستان «فیات» بایانکه از مجموعه داستان‌هایی با همین موضوع به این کتاب راه پیدا کرده، ولی باز هم با جنس داستان‌های آن جور است.
در مجموع می‌توان تعبیر عامیانه و کارگاهی «آثار تمیز و بدون حشو» را در مورد داستان‌های این کتاب استفاده کرد و از به کار رفتن ابزارهای قوی داستان‌نویسی در شکل‌گیری آنها لذت برد. از نظر محتوایی، تعادل میان «سیاهی و تاریکی» و «روشنایی و خوشی» در داستان‌ها به‌خوبی رعایت شده و نه از آن فضای سیاه مسلط بر رمان‌های جنگ جهانی دوم خبری هست و نه از خوش‌بینی‌ها و سفیدنمایی‌های مر سوم در داستان‌های نسل اول این حوزه.
تأثیری که مطالعه «خط مرزی» روی حال و هوای ذهنی من گذاشت را نمی‌توانم نادیده بگیرم و هر مخاطبی، به‌روشنی به این نتیجه خواهد رسید که بعد از اتمام ۱۲۶ صفحه این کتاب، با «کشف‌ی» در حوزه این روایت‌ها و این جنگ روبه‌رو شده است که برای مدتی، فکرش را متشغول خواهد کرد. ابتکار عمل و قدرت ساختار، علت اصلی این موفقیت در نگارش، ویرایش و بازنویسی مجموعه بوده است می‌تواند به عنوان انگوی مناسبی برای نویسندگان نسل چهارم جنگ معرفی شود.



■ **فرزین ماندگار**

یازدگر پیشکسوت سینما و تلویزیون در حالی به این نکته اشاره می‌کند که بخش عمده‌ای از مفاهیم سینمایی امروز چیزی جز تکرار و باز تکرار تلقشی و بدبختی‌های زندگی ندارد که مسئولان سینمایی وزارت ارشاد همواره از ترویج سینمایی امید تنها سخن به میان می‌آورند.

مهن ترایی ضمن ابراز ناراضیاتی از برخی مضامین و روند تولید برخی فیلم‌های ایرانی به ایرنا عنوان کرد: زیاد به سینما نمی‌روم، ولی یک‌سری از فیلم‌ها را دیدم و تا جایی هم که دیدم او نه در باب همه فیلم‌ها) باید بگویم هر بار بیش از پیش ناامید شدم، مخصوصاً مضامینی که در نظر می‌گیرند به نظم بسیار غم‌انگیز و صرفاً جنبه‌های منفی زندگی آدم‌هاست که سوزِ کارها می‌شوند. بر این اساس سوز‌ها برایم بسیار مایوس‌کننده هستند. از سویی دیگر کم‌دی‌ها دارای سطحی بسیار پایین و مضامین آنها بسیار سبک، بی‌مفهوم و بی‌مزه هستند.

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سر‌مدیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۵۵۴
روابط‌عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، شماره: ۸۸۸۴۵۶۳۴۶-۶
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

روزنامه جوان | شماره ۵۷۴۰ | سه‌شنبه ۱۲ شهریور ۱۳۹۸ | ۳ محرم ۱۴۴۱ | اذان ظهر: ۱۳:۰۴ | غروب آفتاب: ۱۹:۴۰ | اذان مغرب: ۱۹:۴۸ | نیمه‌شب: ۰۲:۱۱ | اذان صبح فردا: ۵:۱۱ | طلوع آفتاب فردا: ۶:۳۸

ادبیات دفاع مقدس در روزهای رخوت ادبیات روشنفکری حرف اول را در جذب مخاطب می‌زند

روشنایی چراغ ادبیات کشور با کتاب‌هایی از زندگی شهدا



این لیست قرار دارد «قهوه سرد آقای نویسنده» است. این کتاب که به لحاظ محتوایی و تکنیک نوشتاری بسیار سطحی و دم‌دستی است به واسطه تبلیغات گسترده در شبکه‌های اجتماعی توانست برای خودش مخاطب پیدا کند. «قهوه سرد آقای نویسنده»، کتاب جدی‌ای در جریان ادبی کشور به شمار نمی‌رود. این کتاب پس از فروکش کردن موج‌های تبلیغاتی نویسنده، مخاطبانش را از دست خواهد داد. انتقادات زیاد خوانندگان این کتاب از سطح کیفی این رمان، نشان می‌دهد که آنها بدون تحقیق و تنها با خواندن چند جمله قصار ارزش آن شده‌اند. در نبود رمان‌های شاخص ادبی چنین کتاب‌هایی با فضا سازی‌های گسترده در فضای مجازی برای خودشان مخاطب پیدا می‌کنند و پرفروش می‌شوند، ولی در طولانی مدت اثری از آنها در فضای ادبی کشور باقی نمی‌ماند.

کتاب‌های پرفروش دیگر که در چند سال اخیر منتشر شده‌اند «خل و نارنج» نوشته وحید یامین‌پور و «کتون» نوشته فاضل نظری هستند. «خل و نارنج» که سال گذشته به چاپ رسیده به سراغ روایت داستانی زندگی و زمانه شیخ اعظم، شیخ مرتضی انصاری رفته و به اثر گذاری وی بر جریان فقه شیعه پرداخته است. ششمین دفتر شرعی فاضل نظری با نام «کتون» نیز سال گذشته منتشر شد و در مدت بسیار کوتاهی به یکی از محبوب‌ترین کتاب‌های مردم تبدیل شد. بررسی این لیست، اما نشان می‌دهد جریان روشنفکری و ادبی کشور توانایی معرفی نویسنده‌گان نوگلم را ندارد و فقط بر کتاب‌هایی که سال‌ها پیش نوشته شده، تکیه می‌کند. این جریان ادبی که سال‌ها داعیه‌دار پرچمداری ادبیات کشور بوده در سال‌های اخیر بسیار پر تلاش و پر کار به کتابی شاخص را نداشته است. این ضعف بزرگی برای ادبیات داستانی کشور به شمار می‌رود که نویسندگانش توانایی جذب مخاطبان جدید را ندارند. مدتهاست، کتاب‌های مخاطب‌محوری استقبال مردمی را داشته باشد به چاپ نرسیده و این حوزه دچار رکود و رخوت شده است.

هرچه ایس جریان ادیبی کم کار و تنبل است، ادبیات دفاع مقدس بسیار پر تلاش و پر کار به دنبال جذب مخاطبان بیشتر است. هر چقدر این سال‌ها دوره درخشش و روشنایی ادبیات دفاع مقدس بوده از آن سو دوره ادبیات روشنفکری را خاموشی فراگرفته است. کتاب‌های خاطرمنگه‌ای دفاع مقدسی سهم زیادی از بازار نشر را در دست گرفته‌اند و مخاطبان را به سوی خودشان جذب کرده‌اند. در یک دهه اخیر، کتاب‌های ارزشمند زیادی در حوزه ادبیات دفاع مقدس به چاپ رسیده که رونق خوبی را به بازار نشر و کتاب بخشیده است. «دختر شینا»، «من زنده‌ام»، «پایی که جاماند»، «وقتی مهتاب هم شد»، «آن ۲۳ نفر» و «عباس دست طلا» تنها چند نمونه از کتاب‌هایی هستند که در سال‌های اخیر به چاپ رسیده و در مدت زمان کوتاهی خوانندگان زیادی پیدا کرده‌اند. این کتاب‌های خاطرمنگاری، چراغ ادبیات کشور را روشن نگه داشته و مردم را به سوی کتاب و کتابخوانی جذب کرده‌اند.

■ **حکمت ۲۸۷**

قصا و قدر راهی است تاریک،
آن را می‌میماید و در بایی
است زرف، وارد آن نشوید و
راز است خدایی، خود را به
زحمت نیندازید.

■ **حکمت ۲۸۷**



تلویزیون به خاطر «بوی باران» برای خودش نوشابه باز کرد!



داشت داستان خود را پیش ببر، عوامل این سریال که در مدت پخش آن از سوی افکار عمومی و رسانه‌ها با انتقادهای زیادی روبه‌رو بودند برای فرار رو به جلو و کاهش بار نقدها، یک برنامه تماماً یک‌سویه و تک‌صدایی را روی آنتن بردند که در آن دو نماینده دولت در مقام دفاع از برنامه‌های مبارزه با مواد مخدر صحبت کردند و گاهی هم گریلو و معظمی فرصت پیدا می‌کردند تا از سریال تعریف کنند.

تلویزیون در نقد فیلم‌های سینمایی برنامه‌هایی مانند «هفت» و «نقد سینما» را روی آنتن می‌فرستد که در آنها منتقدها و اهالی رسانه بر سر اینکه فیلم‌های سینمایی چه نقاط ضعف و قوتی دارند به بحث می‌پردازند، اما زمانی که پای نقد سریال‌های تلویزیونی به میان می‌آید، حتی حاضر نمی‌شود اسسم بر نامه را «نقد» بگذارند و برای شواف هم که شده یک مخالف‌خوان یا منتقد واقعی را دعوت کند که نقاط

ضعف سریال «بوی باران» را گوشزد کند. برنامه «حوالی نگاه» که قرار بود تحلیل سریال «بوی باران» باشد، به خاطر خالی بودن دست مجری و کارگردان سریال عملاً به میدان ارائه نظریات و آمارها درباره مبارزه با موادمخدر تبدیل شد. مدیریت بحث از سوی دو نماینده بخش دولتی توانست این برنامه را به محصل ارائه گزارش عملکرد تبدیل کند و اصل تحلیل سریال را به حاشیه براند. در حالی که اگر صداوسیما می‌خواست تا می‌توانست دو منتقد فیلم و سریال را به برنامه دعوت کند و از آنها تحلیل فرم و محتوای سریال را بخواهد، قطعاً نتیجه بهتری به دست می‌آمد. «حوالی نگاه» هر چادان وقت مردم با استفاده از پول مردم بود و در طول آن تلاش شد برای یک سریال بینندگان سریال‌های تلویزیونی نظراتشان را در برنامه «بوی باران» در فضای مجازی و رسانه‌ها مستقل بیان می‌کنند که تشابهی به محتوای «حوالی نگاه» ندارد.

■ **نما حسین کشتکار**

حکمت ۲۸۷
قصا و قدر راهی است تاریک،
آن را می‌میماید و در بایی
است زرف، وارد آن نشوید و
راز است خدایی، خود را به
زحمت نیندازید.

حکمت ۲۸۷
قصا و قدر راهی است تاریک،
آن را می‌میماید و در بایی
است زرف، وارد آن نشوید و
راز است خدایی، خود را به
زحمت نیندازید.

حکمت ۲۸۷
قصا و قدر راهی است تاریک،
آن را می‌میماید و در بایی
است زرف، وارد آن نشوید و
راز است خدایی، خود را به
زحمت نیندازید.

برنامه «بوی باران» که برای بررسی و تحلیل سریال «بوی باران» روی آنتن شبکه یک سیما رفت، عملاً به فرصتی برای تعریف از این سریال پرانتقاد تبدیل و ضرب‌المثل «خود گویی و خود خندی…» را در ذهن بیننده پیاد آور شد. یکی از هنرهای بزرگ تلویزیون این است که به هر مناسبتی شده از تولیداتش تعریف کند و به خرج مردم به سازندگان آن برنامه‌ها جایزه بدهد یا اینکه فرصتی برای تعریف و تمجید از آنها را در آنتن زنده فراهم کند. اتفاقی که نمونه اخیرش در برنامه «حوالی نگاه» شبکه اول سیما رخ داد. این برنامه که یک‌شنبه شب پخش شد به تمجید از یک سریال پر بحث تلویزیونی پرداخت.

با پایان سریال «بوی باران»، شبکه یک سیما نشست تحلیل این سریال را با حضور محمود معظمی کارگردان سریال، رضا مجتبی معاون امور آسیب‌ها و مسائل اجتماعی سازمان امور اجتماعی وزارت کشور و محمد ترحمی مدیرکل دفتر حقوقی ویژه‌برنامه هر عهده محمود گبرلویی بود که به دلیل خشن بودن، برنامه هفت را از دست داد. اما آنچه در این نشست گفتنی بیش از آنکه تحلیل سریال باشد تمجید آن بود. صداوسیما حتی در پخش گزارش‌های مردمی نیز هیچ اعتقادی به چندصدایی نداشت و مصاحبه‌های مردمی فقط از چند نفر پخش شد که به تعریف از «بوی باران» پرداخته بودند.

در علم ارتباطات، نظریه‌ای به نام «مهر پیچ سکوت» وجود دارد. در بخشی از این نظریه به شکل‌گیری و انتشار عقاید و نقش رسانه‌ها در تقویت و القای اینکه یک عقیده نظری همگانی است، پرداخته می‌شود. اتفاقی که شبکه یک سیما پس از پایان سریال «بوی باران» به آن پرداخت، نمونه‌ای از تلاش برای استفاده از ماری پیچ سکوت و القای نظرات مدنظر تلویزیون به عنوان نگاه مردم به سریال «بوی باران» بود. در برنامه تعدداً یک مجری خشنی برای اجرای برنامه استفاده شد، چون برای سازنده مشخص بود که محمود گبرلو چندان اهل ایجاد چالش نیست و در یک میدان یک‌طرفه به خوبی می‌تواند با نظرات مثبت خود، برنامه را به سمتی که از پیش تعیین شده هدایت کند. سریال بوی باران که با بیش از ۶۰۰ قسمت از شبکه یک سیما پخش شد، یکی از ضعیف‌ترین، پرگراف‌ترین و شاید بی‌مطلق‌ترین مجموعه تلویزیونی بود که در آن جایگاه قانون و مردان قانون هجو شده و با تحقیر بیننده تلاشی

■ **نوید پارسا**

کارگردان نمایش جدید «غریبه شام» گفت: تلاش کردیم کار آیینی بر تپط با وقایع کربلا و متصل به اتفاقات روز را به صحنه بیاوریم. به همین دلیل یک قصه از مدافعان حرم را در نظر گرفته و آن را به روایت کربلا نزدیک کردیم. کوروش زارعی کارگردان نمایش «غریبه شام» که از ۱۲ شهریورماه اجرایش را در تماشاخانه سنگلج آغاز می‌کند، در نشست خبری این نمایش عنوان کرد: نمایش غریبه شام با پیشنهاد شهرام کریمی برای محرم سفارش داده شد و ما هم آن را تولید کردیم. در این نمایش تلاش کردیم یک کار آیینی مرتبط با وقایع کربلا و البته متصل به دغدغه‌های روز دنیا را به مردم بیاوریم، به همین دلیل هم یک قصه از مدافعان حرم را در نظر گرفتیم و به روایت کربلا نزدیک کردیم.

این فعال عرصه تئاتر در نشست خبری چهارمین همایش پیاده‌روی اربعین و رومانی از پوست نمایش غریبه شام درباره داستان نمایش توضیح داد: داستان نمایش درباره دختری است که پدرش مدافع حرم سوریه است و بسیار از رفتن پدر خود نگران و ناراحت است، مدتی می‌شود که از سوریه و پدر خبری نمی‌شود به همین دلیل هم این خانواده راهی سوریه می‌شوند تا نامی از پدر خانواده پیدا کنند در این مسیر اتفاقاتی برای این دختر و خانواده می‌افتد که مرتبط به کربلا می‌شود. زارعی با اشاره به توسل خانواده به حضرت قیه (س) گفت: حضرت رفیقه خود روایتی از واقعه کربلا تا بریدن سر امام حسین(ع) را برای این دختر در حالت رؤیا تعریف می‌کند تا

وی افزود: فیلم‌های جدی که به دنبال مطرح کردن مسائل مردم هستند، در بسیاری از موارد آزار دهنده‌اند و انگار مردم را از زندگی سیر می‌کنند. در صورتی که زندگی مجموعه‌ای از همه چیز است. هیچ کس نمی‌تواند بگوید زندگی یک تراژدی واقعی است. نفس زندگی همواره شادای و غم را همراه هم دارد، اما در فیلم‌های ما به ناگاه چنان در زندگی می‌تانزد که آدم بعد از دیدن فیلم احساس ناامیدی زیادی دارد. این را دوست ندارم و متأسفانه اکثر فیلم‌هایی که دیده‌ام به همین ترتیب بوده‌اند و الان که فکر می‌کنم که کدام فیلم بوده بعد از دیدن آن احساس خوب و امیدواری به زندگی داشته باشم، فیلمی نبوده است.

وی می‌افزاید: شاید این فضای یأس در فیلم‌های درام از طرفی و بی‌محتوایی در فیلم‌های طنز از سویی دیگر از نظر دست‌اندرکاران مشکل نیست، اما از دید من این مشکل است چراکه مانند در نظر گرفتن صرفاً یک روی زندگی و سیاهی و تاریکی آن است و این معنای زندگی نیست. زندگی آمیخته‌ای از شادی، موفقیت، رنج، غم، زحمت و همه اینها را با هم دارد و اگر ما بخواهیم بخشی از زندگی را روی پرده سینما ببینیم، حتماً باید مجموعه‌ای از اینها و برشی در هم از آن باشد؛ یعنی در عین حال موضوع را از نقطه نظر و زاویه دید خودشان مطرح می‌کنند، باید این نگاه را داشته باشند که زندگی نمی‌تواند مطلق، تاریک و سیاه باشد. فکر می‌کنم شرایط در دهه قبل بهتر بود و سایه روشن‌هایی که در متن فیلم‌ها مطرح می‌شد، نسبت به امروز خیلی به جنس زندگی نزدیک‌تر بود.

■ **کتاب**

«برای زین‌آب»
به ماه محرم کتابفروشی‌ها رسید



کتاب «برای زین‌آب» روایت زندگی شهیدمدافع محمد محمدبلیاسی، همزمان با دومین روز محرم به چاپ دوم رسید. به گزارش «جوان»، محمد بلیاسی یکی از شهدای مدافع حرم است که در منطقه «خان طومان» سوریه حین مبارزه با تروریست‌های تکفیری به همراه دیگر هم‌زمانش به درجه رفیع شهادت نائل شد و پیکر مطهرش نیز هنوز به وطن بازنگشته است. وی متولد ۱۳۵۷، ولادت و بزرگ شدن سه فرزند خود را دیده، اما زینب را بعد از شهادتش در دفاع از حرم اهل بیت (ع) در عملیات مستشاری در خان طومان سوریه دیده به جهان گشود، زمانی که پدر چشم از این جهان فروبست، دیدگان او نظاره‌گر این طفل از آسمانهاست.

شخصیت چند بعدی محمد بلیاسی، کتاب را خواندنی و قابل توجه کرده است. خواننده پس از خواندن این اثر، با مفهوم صحیح آتش به اختیار بودن و البته روحیه جهادی شهید در مقاطع مختلف از عمر کوتاه، اما پرپر کتش آشنا می‌شود و می‌فهمد که اگر انسان از زمان خود به درستی استفاده کند و به هر اتفاقی در وقت و جایگاه خودش رسیدگی نماید، دیگر هیچ چیز در زندگی قضا نمی‌شود. «برای زین‌آب» با محاتب لشکر ۲۵ کربلا و به قلم سمیه اسلامی و فاطمه قنبری در قطع رقعی و در ۳۹۲ صفحه توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر شد.

با طرح روایتی از مدافعان حرم حضرت زینب (س)

«غریبه شام» در تئاتر سنگلج روی صحنه می‌رود



اتفاق شهادت پدر این دختر برایش قابل تحمل شود. وی در ادامه افزود: در این نمایش تلاش کردیم به برخی سؤالات مردم درباره جنگ در سوریه و حضور ایران پاسخ دهیم، مثلاً اینکه چرا ایران در جنگ سوریه حضور دارد، به هر حال سوریه تنها کشوری است که پس از پایان جنگ ایران و عراق قرار داده‌بودند، جنگ اصلی در منطقه باقی ماند در حالی که تمام دنیا مقابل ما بودند.

مدیر مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری اظهار داشت: در این نمایش تلاش کردیم، فقط کربلا را روایت نکنیم. هر چند همان هم اتفاق بزرگی بود، اما در شرایطی که نیروهای فرهنگی دشمن اعتقادات جوانان ما را هدف قرار داده‌بودند، جنگ اصلی در حوزه فرهنگی است و در کنارش باید به عرصه اقتصادی توجه شود، دشمن تلاش می‌کند باورهای ما را نشانه بگیرد و نیاید اجازه دهیم که استکبار جهانی در آیین عرس پیروز شود. بنابراین از متولیان فرهنگی، هنری و سیاسی درخواست می‌کنم به داد جوانان و فرهنگ ما برسند.